

(وَ مِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَقَدْ سَأَلَهُ سَائِلٌ عَنْ أَحَادِيثِ الْبِدْعِ وَعَمَّا فِي
أَيْدِي النَّاسِ مِنْ اخْتِلَافِ الْخَبَرِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ فِي أَيْدِي النَّاسِ حَقًّا وَ
بَاطِلًا، وَ صِدْقًا وَ كَذِبًا، وَ نَاسِخًا وَ مَنْسُوخًا، وَ عَامًّا وَ خَاصًّا، وَ مُحْكَمًا وَ
مُتَشَابِهًا، وَ حِفْظًا وَ وَهْمًا، وَ قَدْ كُذِبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ -
عَلَى عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ: مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.
وَ إِنَّمَا أَنَا كَ بِالْحَدِيثِ أَرْبَعَةٌ رِجَالٌ لَيْسَ لَهُمْ خَامِسٌ: رَجُلٌ مُنَافِقٌ مُظْهِرٌ لِلإِيمَانِ،
مُتَّصِعٌ بِالإِسْلَامِ، لَا يَتَأْتَمُّ وَ لَا يَتَحَرَّجُ، يَكْذِبُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ - مُتَعَمِّدًا، فَلَوْ عَلِمَ النَّاسُ أَنَّهُ مُنَافِقٌ كَاذِبٌ لَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُ، وَ لَمْ يُصَدِّقُوا قَوْلَهُ، وَ
لَكِنَّهُمْ قَالُوا: صَاحِبُ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - رَأَاهُ، وَ سَمِعَ مِنْهُ، وَ لَقِفَ
عَنْهُ، فَيَأْخُذُونَ بِقَوْلِهِ، وَ قَدْ أَخْبَرَكَ اللَّهُ عَنِ الْمُنَافِقِينَ بِمَا أَخْبَرَكَ، وَ وَصَفَهُمْ بِمَا
وَ صَفَهُمْ بِهِ لَكَ، ثُمَّ بَقُوا بَعْدَهُ، عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَقَرَّبُوا إِلَى أَيْمَةِ الضَّلَالَةِ وَ الدُّعَاةِ إِلَى
النَّارِ بِالزُّورِ وَ الْبُهْتَانِ، فَوَلَّوهُمْ الْأَعْمَالَ، وَ جَعَلُوهُمْ عَلَى رِقَابِ النَّاسِ، فَأَكَلُوا بِهِمْ
الدُّنْيَا، وَ إِنَّمَا النَّاسُ مَعَ الْمُلُوكِ وَ الدُّنْيَا إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ، فَهَذَا أَحَدُ الْأَرْبَعَةِ. وَ
رَجُلٌ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ شَيْئًا لَمْ يَحْفَظْهُ عَلَى وَجْهِهِ، فَوَهِمَ فِيهِ وَ لَمْ يَتَعَمَّدْ
كَذِبًا، فَهُوَ فِي يَدَيْهِ يَرُوبِهِ وَ يَعْمَلُ بِهِ، وَ يَقُولُ: أَنَا سَمِعْتُهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَ آلِهِ - فَلَوْ عَلِمَ الْمُسْلِمُونَ أَنَّهُ وَ هِمَ فِيهِ لَمْ يَقْبَلُوهُ مِنْهُ، وَ لَوْ عَلِمَ هُوَ أَنَّهُ
كَذَلِكَ لَرَفَضَهُ. وَ رَجُلٌ ثَالِثٌ سَمِعَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - شَيْئًا
يَأْمُرُ بِهِ ثُمَّ نَهَى عَنْهُ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ، أَوْ سَمِعَهُ يَنْهَى عَنْ شَيْءٍ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ وَ هُوَ لَا يَعْلَمُ،
فَحَفِظَ الْمَنْسُوخَ وَ لَمْ يَحْفَظِ النَّاسِخَ، فَلَوْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَنْسُوخٌ لَرَفَضَهُ، وَ لَوْ عَلِمَ

الْمُسْلِمُونَ إِذْ سَمِعُوهُ مِنْهُ أَنَّهُ مَنْسُوخٌ لِرَفْضِهِ. وَآخِرُ رَابِعٍ لَمْ يَكْذِبْ عَلَى اللَّهِ وَلَا
 عَلَى رَسُولِهِ، مُبْغِضٌ لِلْكَذِبِ خَوْفًا لِلَّهِ، وَتَعْظِيمًا لِرَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
 آلِهِ - وَلَمْ يَهْمُ، بَلْ حَفِظَ مَا سَمِعَ عَلَى وَجْهِهِ، فَجَاءَ بِهِ عَلَى مَا سَمِعَهُ : لَمْ يَزِدْ فِيهِ
 وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ، فَحَفِظَ النَّاسِخَ فَعَمِلَ بِهِ، وَ حَفِظَ الْمَنْسُوخَ فَجَنَّبَ عَنْهُ، وَ عَرَفَ
 الْخَاصَّ وَ الْعَامَّ، فَوَضَعَ كُلَّ شَيْءٍ مَوْضِعَهُ وَ عَرَفَ الْمُتَشَابِهَ وَ مُحْكَمَهُ. وَ قَدْ كَانَ
 يَكُونُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - الْكَلَامُ لَهُ وَ جِهَانٍ: فَكَلَامٌ خَاصٌّ، وَ
 كَلَامٌ عَامٌّ، فَيَسْمَعُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُ مَا عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِهِ، وَ لَا مَا عَنِ رَسُولِ اللَّهِ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَيَحْمِلُهُ السَّامِعُ، وَ يُوجِّهُهُ عَلَى غَيْرِ مَعْرِفَةٍ بِمَعْنَاهُ، وَ مَا قَصِدَ
 بِهِ، وَ مَا خَرَجَ مِنْ أَجْلِهِ وَ لَيْسَ كُلُّ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ -
 كَانَ يَسْأَلُهُ وَ يَسْتَفْهِمُهُ حَتَّى إِنْ كَانُوا لَيُحِبُّونَ أَنْ يَجِيءَ الْأَعْرَابِيُّ أَوْ الطَّارِيءُ
 فَيَسْأَلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى يَسْمَعُوا، وَ كَانَ لَا يَمُرُّ بِى مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ إِلَّا سَأَلْتُهُ عَنْهُ
 وَ حَفِظْتُهُ، فَهَذِهِ وَجُوهٌ مَا عَلَيْهِ النَّاسُ فِي اخْتِلَافِهِمْ وَ عَلَيْهِمْ فِي رِوَايَاتِهِمْ.

در باب حدیثهای مجعول

اقسام احادیث رواج یافته

احادیثی که در دسترس مردم قرار دارد، هم حق است هم باطل، هم راست هم دروغ، هم ناسخ هم منسوخ، هم عام هم خاص، هم محکم هم متشابه، هم احادیثی که به درستی ضبط گردید و هم احادیثی که با ظن و گمان روایت شد. در روزگار پیامبر (ص) آنقدر دروغ به آن حضرت نسبت داده شد که ایستاد و خطابه ایراد کرد و فرمود: (هر کس از روی عمد به من دروغ نسبت دهد جایگاه او پر از آتش است.)

اقسام راویان حدیث

افرادی که حدیث نقل می‌کنند چهار دسته‌اند، که پنجمی ندارد.

اول- منافقان نفوذی

نخست منافقی که تظاهر به ایمان می‌کند، و نقاب اسلام بر چهره دارد، نه از گناه می‌ترسد و نه از آن دوری می‌جوید و از روی عمد دروغ به پیامبر (ص) نسبت می‌دهد. اگر مردم می‌دانستند که او منافق دروغگو است، از او نمی‌پذیرفتند و گفتار دروغین او را تصدیق نمی‌کردند، اما با ناآگاهی می‌گویند و از اصحاب پیامبر است، رسول خدا را دیده و از او حدیث شنیده، و از او گرفته است، پس

حدیث دروغین او را قبول می‌کنند، در صورتیکه خدا تو را از منافقین آنگونه که لازم بود آگاهاند، و وصف آنان را برای تو بیان داشت، آنان پس از پیامبر (ص) باقی ماندند و به پیشوایان گمراهی و دعوت کنندگان به آتش با دروغ و تهمت نزدیک شده پس به آنان ولایت و حکومت بخشیدند، و برگردن مردم سوار گردیدند، و به وسیله آنان به دنیا رسیدند، همانا مردم هم با سلاطین و دنیا هستند، مگر آن کس که خدا او را حفظ کند، این یکی از آن چهار گروه.

دوم- اشتباه کار

دوم کسی که از پیامبر (ص) چیزی را به اشتباه شنیده، و سخن آنحضرت را درست حفظ نکرده است، و با توهم چیزی را گرفته، اما از روی عمد دروغ نمی‌گوید، آنچه در اختیار دارد روایت کرده و به آن عمل می‌کند و می‌گوید، من از پیامبر (ص) آن را شنیده‌ام، اگر مسلمانان بدانند که او اشتباه کرده، و غیر واقعی پنداشته، از او نمی‌پذیرفتند، خودش هم اگر آگاهی می‌یافت که اشتباه کرده، آن را رها می‌کرد.

سوم- ناآگاهی که حدیث شناس نیستند.

و سومی شخصی که شنیده پیامبر (ص) به چیزی امر فرمود، سپس از آن نهی کرد و او نمی‌داند، یا شنید که چیزی را نهی کرد، سپس به آن امر فرمود و او آگاهی ندارد، پس نسخ شده را حفظ کرد ولی ناسخ را نمی‌داند، اگر بداند که

حدیث او منسوخ است ترکش می کند، و اگر مسلمانان نیز می دانستند روایت او نسخ شده آن را ترک می کردند.

چهارم - حافظان راست گفتار

دسته چهارم، آنکه نه به خدا دروغ می بندد و نه به پیامبرش دروغ نسبت می دهد، دروغ را از ترس خدا، و حرمت نگهداشتن از رسول خدا (ص) دشمن دارد، در آن چه از پیامبر (ص) شنیده اشتباه نکرده، بلکه آن را با تمام جوانبش حفظ کرده است. و آن چنانکه شنیده بدون کم و کاست نقل می کند، پس او ناسخ را حفظ و به آن عمل کرد، و منسوخ را حفظ و از آن دوری جست، خاص و عام، محکم و متشابه، را شناخته، هر کدام را در جای خویش قرار داده است.

اقسام اصحاب رسول خدا (ص)

گاهی سخنی از رسول خدا (ص) دارای دو معنا بود، سخنی عام، و سخنی خاص، کسی آن را می شنید که مقصود خدا و پیامبرش را از کلام نمی فهمید، پس به معنای دلخواه خود تفسیر می کرد، و بدون آنکه معنای واقعی آن را بداند، که برای چه هدفی صادر شد، و چرا چنین گفته شد، حفظ و نقل می کرد. همه یاران پیامبر (ص) چنان نبودند که از او چیزی پرسند و معنای واقعی آن را درخواست کنند تا آنجا که عده ای دوست داشتند، عربی بیابانی یا سوال کننده ای از آن حضرت چیزی پرسد و آنها پاسخ آن را بشنوند، اما من هر چه از خاطر

می‌گذشت می‌پرسیدم، و حفظ می‌کردم، پس این است علل اختلاف روایاتی که
در میان مردم وجود دارد، و علل اختلاف روایات در نقل حدیث.